

# مبانی نظری امت واحده اسلامی، ارزش‌های بنیادین آن و نسبت آن با تمدن نوین اسلامی

مهدی نکوئی سامانی<sup>۱</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر مبانی و مؤلفه‌های اصلی تحقق اتحاد امت اسلام را با استناد به آیات و سیره و رهنمودهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد بررسی و تحلیل قرار داده و با اشاره به ضرورت شکل‌گیری امت واحده اسلامی از دیدگاه قرآن کریم و سنت، مهم‌ترین رهیافت‌های نظری و عملی تحقق وحدت امت اسلامی را ارائه نموده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی تلاش نموده تا با الهام از آموزه‌های قرآن و سنت، مهم‌ترین مبانی و مؤلفه‌های تحقق امت واحده را تبیین نماید. از منظر این پژوهش، بی‌اعتنایی اغلب پیروان مذاهب اسلامی به آموزه‌های اصیل اسلامی، عدم تمسک به اهل بیت علیهم السلام در کنار تمسک به قرآن، پیروی از عالمان گمراه و حاکمان فاسد و مستبد، فرقه‌گرایی، عدم رهبری واحد در بین مسلمانان، رواج فرهنگ غرب در جوامع اسلامی، وابستگی اغلب کشورهای اسلامی به بیگانگان از جمله مهم‌ترین موانع اتحاد و تحقق امت واحده و مطلوب اسلامی به شمار می‌روند.

**کلید واژه:** امت اسلامی، وحدت، قرآن، سنت نبوی، اهل بیت علیهم السلام، ساختار و مؤلفه‌ها، تمدن اسلامی.

## ۱. مقدمه

دعوت به اتحاد و انسجام، و پرهیز از تفرقه، از دستورات مسلم قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و آله

۱. دکتری مبانی نظری اسلام، پژوهشگر پژوهشکده حج و زیارت.

است. بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، امت اسلامی، دارای هویت، ویژگی‌ها و وظایفی خاصی است که با این ویژگی‌ها و تمایزات از دیگر امت‌ها و ملت‌ها متمایز می‌شود. هدف اصلی این مقاله، بررسی مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌ها و مولفه‌های شکل‌گیری امت است. این تحقیق با استناد به رهنمودهای قرآن و سنت و منابع معتبر فریقین، مهم‌ترین ویژگی‌ها و مبانی امت را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و تلاش نموده تا با ترسیم هویت امت اسلامی، مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌گیری امت را از منظر آموزه‌های قرآن و سنت را با تأکید بر دیدگاه‌های مشترک فریقین تبیین نماید.

## ۲. چارچوب مفهومی

یک: اتحاد و همبستگی مسلمانان از جمله آموزه‌ها و توصیه‌های مهم قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و ائمه اطهار است. و لذا گری امت واحده امری معقول و مطلوب است و همه مسلمانان نسبت به آن وظیفه دارند.

دو: اتحاد امت زمینه ساز تحقق بسیاری از اهداف و برنامه‌های اجتماعی و جهانی اسلام است. اتحاد عامل حفظ هویت و عزت و اقتدار امت و دفاع از کیان اسلام و مسلمانان است. خدای متعال وحدت را مایه عزت و نیرومندی و تفرقه و تنازع را موجب ضعف و ذلت شمرده و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾؛ و اختلاف کلمه نداشته باشید که شأن و شوکتان بر باد می‌رود. (انفال: ۴۶)

سه: وحدت اسلامی در دوران معاصر با توجه به شرایط حاکم بر دنیای اسلام و چالش‌ها و خطراتی که از هر سو امت را در بر گرفته، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

چهار: اندیشه تحقق امت واحده اسلامی، همواره مورد توجه و دغدغه جدی بسیاری از عالمان و مصلحان دینی قرار داشته است. بسیاری از عالمان اهل سنت و شیعه در زمینه اتحاد امت اسلام اقدامات بزرگی را انجام دادند. تأسیس «مجمع تقریب مذاهب اسلامی» توسط برخی از عالمان دلسوز شیعه و اهل سنت نیز در همین زمینه به شمار می‌رود.

پنج: دستیابی به این هدف مهم والهی منوط به محور قرار دادن قرآن و سنت و عقل و سیره رسول خدا و اهل بیت اطهار و کنار گذاشتن عوامل تفرقه و تخاصم است.

شش: گرایش به اتحاد و برقرار ساختن روابط بین اهل ایمان بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت نشان دهنده ایمان و التزام راستین امت به قرآن و سنت است. و حرکت در مسیر خلاف رهنمودهای قرآن و سنت و انتخاب راه تفرقه و تخاصم و تکفیر و تفسیق نشان دهنده انحراف از آموزه‌های حقیقی اسلام است.

### ۳. مفاهیم تحقیق

#### مفهوم امت

در قرآن کریم واژه امت به مجموعه افرادی که در دین و هدف واحد اشتراک دارند اطلاق شده است. از منظر آموزه‌های دینی امت اسلام به کسانی اطلاق می‌شود که معتقد به خدا و تعالیم الهی و رسول گرامی اسلام هستند. و مراد از امت اسلامی مطلوب و امت طراز قرآن و سنت، امتی است که حقیقتاً مؤمن به خدا و رسول ﷺ و آموزه‌های قرآن و سنت هستند و تلاش می‌کنند در حیات فردی و اجتماعی خود به وظایف الهی خود عمل کند و دارای ویژگی‌ها و شاخص‌هایی که در قرآن و سنت بیان شده باشد.

امت مطلوب اسلامی را امتی واحد و منسجم نمونه، بهترین امت، امت وسط، شاهد و الگو برای دیگر ملت‌ها معرفی نموده است. امتی که اهل عزت و کرامت و صلح و رحمت هستند و دین خدا را اقامه می‌کنند و در برابر دشمنان دین شدید و با صلابت چونان بنیان مرصوص هستند و در یاری دین خدا قصور نمی‌ورزند و سلطه کفار و ظالمان را بر نمی‌تابند. امتی که جان و مال و عرض یک دیگر را محترم می‌شمارند و نسبت به یکدیگر عفو و گذشت دارند. جامعه مورد نظر قرآن و پیامبر اکرم ﷺ جامعه‌ای است که در آن روح اخوت و برادری و اتحاد و مودت و تعاون جریان دارد، و مصداق این رهنمود الهی است که می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾. (فتح، ۲۹)

عنصر اصلی شکل‌گیری امت اشتراک در عقیده و هدف و مقصد واحد است. (موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان: ج ۴، ص ۱۲۵).

امت اسلام امت عقیده و مکتب است، نه امت نژاد، قوم، کشور و سرزمین خاص و زبان یا گویش معین و تفاوت در نژاد، رنگ، زبان و وابستگی‌های قومی و نژادی و امتیازات فردی و اجتماعی در هویت امت اسلام تأثیری ندارد.

#### مفهوم وحدت

واژه وحدت و اتحاد از ریشه «وحد» به معنای انفراد و تنهایی است. (فراهیدی، ۱۱۰۹):

ص ۷، ۲۲۰؛ ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۹۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۵۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۷، ص ۱۲) دهخدا وحدت را به معنای یکتایی، یکی بودن، یگانه شدن، یگانگی، و اتحاد را به معنای «یکی شدن، یکرنگی، یکدلی، یکجهتی، موافقت، اجتماع تعریف نموده است. (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۱۰۰۲)

### تعریف اصطلاحی وحدت

وحدت به معنای انسجام فکری واجتماعی مسلمانان و بسیج امکانات مادی ومعنوی امت اسلام برای حفظ هویت فرهنگی خود و دفاع در برابر دشمنان دین و امت است. بنابراین امت واحده اسلامی به معنای تشکیل جامعه ای متحد ومنسجم و به دور از هرگونه تفرقه و جدایی، حول محور ایمان به خدا و تعالیم دین اسلام است.

مراد از وحدت امت؛ تلاش برای تحقق امت واحده مورد توصیه قرآن و سنت، به عنوان یک تکلیف و آرمان اسلامی، حفظ عزت و هویت امت اسلامی در برابر آسیب تفرقه و توطئه‌های خصمانه دشمنان اسلام است که با اتحاد و همدلی و همگرایی در اهداف، تصمیم سازی، سیاست گذاری، بهره گیری از امکانات مادی ومعنوی جهان اسلام تحقق می‌یابد. این اتحاد همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی را در بر می‌گیرد و فرا مذهبی و فرا مکانی و مرزی است. مبنای فکری و نظری این ایده و آرمان آموزه‌های قرآن و سنت و سیره اولیامعصوم است و در چارچوب اهداف و رهنمودهای دین معنا می‌یابد. این مدل از اتحاد و انسجام از نظر قرآن و سنت و عقل نه تنها مطلوب و مستحسن است بلکه جزو اهداف مهم و کلان دین اسلام است.

### ۴. مبانی و مؤلفه‌های تحقق امت واحده

تحقق امت واحده بر اصول و مبانی مهمی نظیر: ایمان به خدا و تعالیم الهی، ایمان به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تمسک به ثقلین، حفظ دین و هویت مسلمانان، جامعیت و خاتمیت و جهان شمول بودن دین اسلام، ضرورت تحقق بخشیدن به آموزه‌ها و احکام اجتماعی اسلام، برقراری حکومت اسلامی، دستیابی به عزت و اقتدار و اعتلای فرهنگی، نفی سلطه کفار و ظالمان و ضرورت مقابله با توطئه‌های گوناگون دشمنان اسلام است.

#### ۴-۱. ایمان به خدا و رسالت الهی رسول اکرم ﷺ

از منظر آموزه‌های دینی مهم‌ترین محور وحدت، و مهم‌ترین مؤلفه‌های دستیابی به امت واحده، ایمان به خدا و رسول و تعالیم الهی است. طبق تعلیم و توصیه قرآن کریم و روایات پیشوایان دین، مؤمنان موظف به داشتن اتحاد و رابطه برادری با یکدیگر هستند. در واقع اتحاد و اخوت و مودت از جمله آثار و نشانه‌های ایمان به خدا و اطاعت از خدا و رسول است. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ...﴾ (حجرات، ۱۰)

ایمان به خدا و رسول ﷺ و تعالیم الهی مهم‌ترین شرط قرار گرفتن در زمره امت اسلام. (سوره محمد، ۲؛ نساء، ۱۶۳؛ سوره نور، ۶۲؛ حجرات ۱۵)

و مهم‌ترین عامل پیوند اهل ایمان با یکدیگر است اشتراک در عقیده و ایمان است که همه معتقدان به آیین اسلام در سرتاسر جهان را، صرف نظر از این که به کدام قوم و نژاد و زبان و طبقه اجتماعی تعلق دارند، جزو امت اسلام قرار می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۲۵) ایمان به خدا موجب ایجاد پیوندی عمیق و محکم و ناگسستگی است به گونه‌ای که هیچ عاملی جز کفر و نفاق نمی‌تواند آن را زایل کند. (مطهری، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۲۶۳)

ایمان به خدا و پیامبر ﷺ، اقتضائات و لوازمی دارد که باید در عقیده و نگرش و نظام رفتاری و اخلاقی مسلمانان بروز و ظهور داشته باشد. از جمله لوازم و نشانه‌های ایمان اتحاد و مودت و اخوت اهل ایمان با یکدیگر است. زیرا خدای متعال همه اهل ایمان را به اتحاد و مودت و اخوت با یکدیگر فرا خوانده است.

#### ۴-۲. تمسک به قرآن

بعد از ایمان به خدا و رسول گرامی اسلام به عنوان دو رکن اصلی اسلام، تمسک به قرآن کریم از مؤلفه‌های اصلی اتحاد و انسجام امت اسلام است. در واقع تمسک به کتاب از نشانه‌های اصلی ایمان به خدا است. (بقره، ۶۲، ۱۷۷، ۲۸۸، ۲۳۲؛ نساء، ۵۹؛ مائده، ۱۶۲)

خدای متعال در قرآن کریم به صراحت مسلمانان را به تمسک به قرآن به عنوان حبل الهی امر نموده است. «واعتصموا بحبل... جمیعاً ولا تفرقوا...» (آل عمران، ۱۰۳)

## تمسک به قرآن از منظر احادیث نبوی

یک: رسول خدا ﷺ همچنين می فرماید: ... إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ سَبَبٌ طَرَفَهُ بِيَدِ اللَّهِ، وَطَرَفَهُ بِأَيْدِيكُمْ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ؛ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَضِلُّوا، وَلَنْ تَهْلِكُوا بَعْدَهُ أَبَدًا. (آلبانی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ ابن حبان، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۳۲۹)

دو: رسول خدا ﷺ می فرماید: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ، وَهُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقُوا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِي عَتْرَتِي؛ مَنْ دَرَّ مِثْرًا شِمَا دُوْ حَيْزِ بِهِ وَدِيْعَتٍ وَآمَانَتٍ مِىْ غِذَارِمٍ، مَا دَامَى كِه بِهَ أَنْ تَمَسَّكَ بِجَوْبِيْدِ، هَرْكَزْ كَمْرَاهِ نَمِى شُوِيْدِ؛ يَكِىْ از دِيْكَرِىْ بَزْرِكْتَرِ اسْت: كِتَابِ خِدا كِه رِيْسَمَانِ رَحْمَتِ آوِيْزَانِ از آسْمَانِ بِهِ سُوِى زَمِيْنِ اسْت، وَ دِيْكَرِىْ عَتْرَتِ وَ اَهْلِ بَيْتِمْ، وَ اِيْنِ دُوْ هَرْكَزْ از هَمْ جِدا نَمِى شُوْنْد تَا دَر حَوْضِ بِهِ مَنْ مِىْ پِيُوْنْدَنْد، بِنْكَرِيْدِ چِگونِه بَا آمَانَتِ هَاىْ مِنْ رِفْتَارِ مِىْ كُنِيْد. (ابن بابويه، كَمَالِ الدِّيْنِ، ج ۱، ص ۲۳۵؛ نُورِى، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۱، ص ۳۷۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ج ۱۷، ص ۱۷۰ و ۳۰۸؛ تَرْمِذِى، ۱۹۹۸ ق: ج ۵، ص ۶۶۳)

سه: رسول خدا در سفارش ديگر مى فرماید: «عليكم بالقرآن فاتخذوه اماماً وقائداً فإنه كلام رب العالمين الذي هو منه وإليه يعود...»؛

بر شما (مسلمانان) باد که قرآن را امام و رهبر خود قرار دهید. زیرا آن کلام پروردگار عالمیان است و از جانب خدا صادر و نازل شده و به سوى او بر مى گردد. (اربلى، ۱۳۸۱ ش: ج ۲، ص ۱۶۵؛ ديلمي، ۱۳۷۱ ق: ج ۱، ص ۹؛ نهج الفصاحة، ص ۵۷۴)

چهار: رسول گرامى اسلام ﷺ: « أَيُّهَا النَّاسُ ... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ...»؛ ای مردم... هر گاه فتنه‌ها چون شب تار شما را فرا گرفت بر شما باد تمسک به قرآن، زیرا قرآن است شفیعی که شفاعتش پذیرفته است و گواهی است که شهادتش مقبول است. هر کس که قرآن را راهنمای خود قرار دهد، او را به بهشت رهنمون می‌کند و هر که قرآن را پشت سر بیندازد، سرانجام در آتش سرنگون خواهد شد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۵۹۹؛ ابن ابی شیبۀ، المصنّف فی الأحادیث والآثار، ج ۶، ص ۱۳۱؛ آلبانی، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ص ۱۹۴)

پنج: فَإِنَّ مِنْ تَمَسَّكَ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ لَا يَضِلُّ، وأما من أَعْرَضَ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ وَسَنَّةِ رَسُولِهِ فَهُوَ الضَّالُّ... به درستی که هر کس به قرآن تمسک نماید هرگز گمراه نمی شود و هر کس از کتاب خدا و سنت رسول اعراض نماید دچار گمراهی است. (الراجحي، شرح صحيح ابن حبان، (الشامله) (محمد عويضة، فصل الخطاب في الزهد والرقائق والآداب، ج ۹، ص ۸۱؛ جمال البنا، ۱۹۹۷م: ص ۲۴۶)

همه پیروان مذاهب اسلامی مدعی ایمان به قرآن و سنت هستند و پیروی از قرآن را مهم‌ترین امتیاز برای خود می‌شمارند. و در این امر اتفاق نظر دارند که تنها راه مصون ماندن امت از انحراف و گمراهی، تمسک به کتاب و سنت است. (آلبانی، ۱۴۲۵ق: ص ۳۴؛ غالب بن علی عواجی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۱۳۴؛ السحيمي، البدع وأثرها في انحراف التصور الإسلامي، بی تا، ص ۵۰؛ سبحانی، ۱۴۲۸ق: ص ۳۷۴)

بنابر این مسلمانان، زمانی امت حقیقی اسلام شمرده می‌شوند که عقیده و اعمال آنان منطبق با آموزه‌های قرآن کریم و سنت باشد و حقیقتاً به رهنمودهای قرآن عمل کنند. (بقره، ۶۲، ۱۷۷، ۲۸۸، ۲۳۲؛ نساء، ۵۹ و مائده، ۱۶۲)

خدای متعال تکالیف گوناگون فردی و اجتماعی را برای مسلمانان معین نموده است. از جمله این تکالیف، دعوت همه مسلمانان به اتحاد و مودت و اخوت و دوری از تفرقه و نزاع است. (آل عمران، ۱۰۳ و آل عمران، ۱۰۵؛ انعام، ۱۵۹؛ شوری، ۱۳)

حال جای طرح این پرسش است که مگر جز این است که همه مسلمانان و پیروان مذاهب اسلامی تمسک به قرآن را واجب می‌دانند. و مدعی هستند که عقاید و اعمال آنان بر اساس رهنمودهای قرآن و سنت است. در پاسخ باید گفت؛ اولاً؛ وجود تفرقه و تشتت گسترده بین امت نشان دهنده این است که در بسیاری از موارد عقیده و اعمال امت بر خلاف رهنمودهای قرآن است. و در بسیاری از امور به قرآن و سنت تمسک نجسته اند.

ثانیاً؛ تمسک به قرآن زمانی ممکن است که افراد امت بتوانند معارف حقیقی قرآن را درک کنند و در درک مفاهیم آیات دچار اختلاف فهم و برداشت‌های گوناگون نشوند. تمسک حقیقی به قرآن تمسکی است که رسول خدا ﷺ به آن توصیه نموده است و آن تمسک به قرآن به وسیله اهل بیت معصوم علیهم‌السلام است. زیرا بدون تعلیم و هدایت اهل بیت علیهم‌السلام که راسخان در علم و مطهرون هستند امت به درستی نمی‌تواند به معارف و احکام قرآن دست یابد. ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾

رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین و دیگر احادیث، امت را به تمسک به کتاب خدا و اهل بیت معصوم ﷺ سفارش نموده و بر جدایی ناپذیری این دو تاکید نموده است. ولذا تمسک به قرآن ملازم با تمسک به اهل بیت ﷺ است. و حال آن که بسیاری از فرق اسلامی بین این دو جدایی افکنده و گمان می‌کنند با این رویکرد می‌توانند به معارف و احکام حقیقی قرآن دست یابند و به طور کامل به رهنمودهای آن عمل کنند!

اگر کسی ادعا کند که مستقلاً بدون راهنمایی پیامبر و امام معصوم ﷺ می‌تواند به قرآن تمسک نماید. نتیجه آن همین اختلاف فهم‌ها و تفسیرهای گوناگون و بعضاً متناقضی می‌شود که از صدر اسلام تا کنون مسلمانان به آن‌ها روبرو هستند. و از همین قرآنی که در آیات آن اختلاف و نقضی نیست، اختلافات اعتقادی و کلامی، فقهی و تفسیری پدید آمده است.

بی تردید در بسیاری از موارد، عقیده و عمل مسلمانان بر خلاف آموزه‌های کتاب خداست، ولذا می‌توان گفت مسلمانان تمسک کامل به قرآن ندارند و نسبت به برخی از دستورات مهم و سرنوشت ساز قرآن بی اعتنا هستند. (طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۶۴۷؛ مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۲۰۱)

بسیاری از انحرافات و ردائلی که هم اکنون در جامعه ما مسلمانان رواج دارند، ضد آن اوصافی است که خدای تعالی برای امت اسلام معین کرده است. وجود انواع ردائل و ارزش‌های غیر اسلام در بین امت اسلامی نشان دهنده این است که مسلمانان به همان انحرافات و ردائلی مبتلا شده‌اند که پیامبر و ائمه ﷺ امت را از آن‌ها بر حذر داشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۵، ص ۶۴۸)

مشکل اصلی مسلمانان در عمل نکردن به بسیاری از رهنمودهای قرآن کریم و توصیه‌های رسول خدا ﷺ است. اگر امت دچار اختلاف و تفرقه و تشتت و ضعف در برابر دشمنان خود است، علت اصلی آن در عمل نکردن به قرآن و رهنمودهای پیامبر ﷺ است.

استاد مطهری رحمته‌الله نیز درباره دوری مسلمانان از تعالیم اصیل اسلام می‌نویسد:

«... بسیاری از مسلمانان، ظاهری اسلامی و مردم پسند دارند ولی اگر به درون و اعمال آنها مراجعه شود، از تعالیم و کردار اسلامی فرسنگ‌ها فاصله دارند. مسایلی چون ریاکاری، عدم اخلاص و تصحیح نیت، نداشتن برخورد صحیح با هموع، نفاق و دورویی از طرف مدعیان دین و ایمان راه را بر آنانی می‌بندد



که می‌خواهند به آغوش دین و ایمان برگردند. مسلمانان در اخلاق فردی و اجتماعی خویش کورکورانه از اجانب و بیگانگان تقلید می‌کنند. هیچ کار زشتی نمانده که مسلمانان آن را انجام ندهند. حتی در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. انگار که سعادت خویش را در گرو تقلید از افکار و اعمال دیگران می‌دانند. چرا ما مسلمان‌ها ذلیل هستیم؟ خیال می‌کنیم همین قدر که ما اذان و اقامه گفتیم بنابراین مسلمان کامل هستیم در حالی که اسلام دستورهای دیگری هم دارد. از مهم‌ترین دستورهای اسلام همین دستور روابط خاص اجتماعی میان ما مسلمین است، به اندازه‌ای که ما مسلمین خودمان علیه یکدیگر فعالیت می‌کنیم دشمنان علیه ما فعالیت نمی‌کنند» (مطهری، آشنایی با قرآن، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۰۱)

به تعبیر شهید مطهری رحمته‌الله در باری دوری مسلمانان از برخی آموزه‌های اسلام می‌نویسد: اسلام، هم در میان مسلمین وجود دارد و هم وجود ندارد. اسلام وجود دارد به صورت اینکه ما می‌بینیم شعائر اسلام در میان مسلمین هست، ... ولی روح اسلام در این مردم وجود ندارد، ... (مطهری، ۱۳۷۸ ش ج ۲۵، ص ۴۲۳)

### شواهدی از عمل نکردن امت به قرآن

یک: تفرقه و تخاصم امت با یکدیگر

قرآن کریم به صراحت مسلمانان را به اتحاد و دوری از تفرقه، اخوت، مودت و رحمت نسبت به یکدیگر، و پرهیز از سوء ظن دعوت نموده و از تفرقه بر حذر داشته است. لکن امت اسلام برخلاف توصیه‌های قرآن کریم، به شدت دچار انشعاب و تفرقه و تنازع با یکدیگر هستند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۴، ص ۶۳۶)

مسلمانان پس از رحلت نبی مکرم به هفت گروه و در ادوار پس از آن تا ۷۳ فرقه و بیشتر منشعب شدند. تقسیم شدند:

در یکی از روایات نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این گونه آمده است. که امت اسلام به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شود که از میان آن‌ها تنها یک فرقه اهل نجات است. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ج ۲، ص ۳۳۲؛ هیشمی، ۱۴۰۸ ق: ج ۶، ص ۲۳۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ ق: ج ۳، ص ۱۲۷۴؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۲؛ صدوق، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ص ۳۷۲)

شهرستانی در این زمینه می‌نویسد: قدری آیات قرآن را موافق با مذهب خود و اشعری نیز

موافق مذهب خود تفسیر می‌کنند، و شبهه نیز ظواهر را فرد گذار کرده و به تأویل آیات می‌پردازند... (شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار، ص ۱۹۶)

«انما وقع لهم هذا التحير لانهم لم ياتوا العلم من بابه و لم يتعلقوا بذیل اسبابه فاتعلن عليهم الباب و تقطعت بهم الاسباب، و ذهب بهم المذاهب حیارى الصّالین» (شهرستانی، مفاتیح الاسرار، بی تا، ص ۱۹۷)

یا در روایتی از قول رسول خدا ﷺ چنین آمده است: روزی می‌رسد که گروه‌هایی از امت منحرف می‌شوند و راه تفرقه در پیش می‌گیرند و نسبت به تعالیم و ارزش‌های الهی مرتد می‌شوند. (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ص ۱۲۰)

پیامبر ﷺ مسلمانان را از تفرقه‌گرایی منع نموده و تفرقه را به منزله خروج از دایره مسلمانی شمرده و می‌فرماید: «من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربقة الاسلام عن عنقه.» (البانی، محمد ناصر الدین، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۷۸؛ صهیب عبد الجبار، الجامع الصحیح للسنن والمسائید، ج ۴، ص ۲۵۶؛ سنن ابی داود، ۱۴۳۰ق: ج ۷، ص ۱۳۶؛ البزار، ۱۹۸۸م: ج ۹، ص ۴۴۵)

اگر امت اسلامی به درستی اعتقاد به خدا و تعالیم الهی دارد و پیرو قرآن و سنت است، هیچ‌گاه نباید راه تفرقه و نزاع را در پیش بگیرد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ﴾؛ کسانی که دین را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ‌گونه مسئول ایشان نیستی. (انعام، ۱۵۹)

بنابر این یکی از مهم‌ترین عوامل اتحاد امت این است که آحاد مسلمانان آموزه‌های قرآن و سنت را مورد توجه قرار دهند. و دعوت قرآن و سنت به اتحاد و مودت را با جان و دل بپذیرند و آن را یک تکلیف مهم الهی بدانند و در جهت اتحاد و مودت و اخوت با دیگر مسلمانان حرکت کنند و از تفرقه و کینه و عداوت نسبت به دیگر مسلمانان دوری کند. در صورتی که می‌توانند مدعی تمسک به قرآن و سنت و امت حقیقی اسلام باشند.

### ۴-۳. ایمان به پیامبر اسلام ﷺ و تبعیت از سنت نبوی؛

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌گیری امت اسلامی، ایمان به پیامبر اعظم اسلام ﷺ و تبعیت از رهنمودها و سیره آن حضرت است.

بی تردید شاهراه اتحاد امت اسلام در اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر است. خداوند در

قرآن کریم همه اهل ایمان را به پیروی از رسول اکرم ﷺ فرا خوانده و تبعیت کامل از پیامبر ﷺ را نشانه ایمان به خدا شمرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... إِنَّ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ (نساء، ۵۹)

خدای متعال تبعیت از پیامبر اکرم ﷺ را از وظایف اصلی مسلمانان شمرده و در آیه ۵۹ سوره نساء و آیه نخست سوره انفال و آیه ۷۱ سوره توبه و آیه ۴۷ سوره نور، اطاعت از پیامبر اکرم ﷺ را از نشانه‌های ایمان شمرده است و همه اهل ایمان را به پیروی از رسول خدا ﷺ دعوت نموده است. اطاعت از رسول را عین اطاعت از خود معرفی نموده است. ﴿وَمَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...﴾؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. (نساء، ۸۰)

خدای متعال سرپیچی از اطاعت خود و رسول را نوعی کفر شمرده است. (آل عمران، ۳۲) و به کسانی که از اطاعت خدا و رسول سرپیچی می‌کنند وعده عذاب داده است: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾؛ و هر کس از دستورات خدا و پیامبر ﷺ نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید، خداوند او را در آتش جهنم وارد خواهد ساخت و برای او عذابی خفت آور است. (نساء، ۱۴)

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: بر امت من واجب است که سخنان مرا فراگیرند و به آن عمل نمایند و از سنت من پیروی کنند. هر کسی که سخنان مرا فراگیرد و تابع سنت من باشد، در روز قیامت با قرآن محشور خواهد شد. اما کسی که سخنان و سنت مرا مورد بی‌اعتنایی قرار دهد جزو کسانی خواهد بود که قرآن را کوچک شمرده اند و هر که قرآن را کوچک شمارد در دنیا و آخرت از زیانکاران خواهد بود. (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۸، ص ۱۷)

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ اسْتَنَّ بِسُنَّتِي فَهُوَ مِنِّي،.....» هر کسی که بر اساس سنت من عمل کند در راه من و جزو امت من است و هر کسی که از سنت من روی گرداند از من نیست. (بیهقی، شعب الإيمان، بی تا: ج ۷، ص ۳۳۴؛ صنعانی، ۱۳۰۳ق: ج ۶، ص ۱۶۹؛ آلبانی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۴۶۷)

### سنت رسول ﷺ در برقراری اتحاد و مودت و اخوت

رسول خدا ﷺ امت را به اتحاد، الفت، اخوت، مودت، تواصل و تبادل و تراحم سفارش نموده است. رسول گرامی اسلام خطاب به اصحاب خود فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ

وَالْفُرْقَةَ، أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ» (ثَلَاثَ مِرَارٍ) بر شما باد که با جماعت باشید و از تفرقه پرهیزید. و این عبارت را سه بار تکرار فرمود. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۳۸، ص ۲۲۰؛ ترمذی، ۱۹۹۸ق: ج ۴، ص ۳۵؛ ابن ابی عاصم شیبانی، ۱۴۰۰ق: ج ۱، ص ۴۲) و در روایتی دیگر فرموده است: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ» یعنی هر کس به اندازه وجبی از اجتماع مسلمانان دوری گزیند پیوند خود را با اسلام گسسته است. (ابی داود، سنن ابی داود، ج ۷، ص ۱۳۶؛ بزار، مسند بزار، ج ۹، ص ۴۴۵؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۳۵، ص ۴۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۲۶۸)

پیامبر اکرم ﷺ در توصیف مؤمنان راستین می فرماید: نسبت به یکدیگر رحمت و مودت دارند؛ «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۸، ص ۱۰؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۳۰، ص ۳۲۳؛ مسلم بن الحجاج، ۱۳۷۴ق: ج ۴، ص ۱۹۹۹)

رسول خدا ﷺ می فرماید: همه مسلمانان دارای یک پیوند و یک پیمان و... یه واحد علیه دشمنان خود هستند، کسی که این پیمان اتحاد را بشکند، لعنت خدا و رسول و همه مردم را برای خود خریده است و در روز قیامت هیچ عملی از او پذیرفته نخواهد شد. (صحیح بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۹، ص ۹۷) در حدیث دیگری می فرماید: محبوب ترین شما در پیشگاه خداوند کسانی هستند که با دیگران الفت برقرار می کنند و خود نیز، مألوف دیگران واقع می شوند و مبعوض ترین افراد شما نزد خداوند کسانی هستند که سخن چینی و کارشکنی می کنند و میان برادران دینی تفرقه و اختلاف ایجاد می کنند. (ابن بشران، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۲۴).

#### ۴-۴. تمسك به اهل بیت علیهم السلام

شکی نیست که قرآن و سنت، به صراحت مسلمانان را به مودت اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از آنان سفارش نموده اند. ولذا اگر امت اسلام حقیقتاً پیرو قرآن و سنت است، باید به توصیه خدا و رسول ﷺ در باره اهل بیت علیهم السلام عمل کنند و در کنار کتاب خدا به اهل بیت علیهم السلام نیز تمسک نمایند تا از گمراهی و اختلافات فکری و عملی نجات یابد.

### احادیث دال بر وجوب تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام

یک: حدیث ثقلین؛ از جمله احادیثی که به صراحت دلالت بر وجوب تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام دارد حدیث ثقلین است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث ثقلین امت را به تمسک به کتاب خدا و اهل بیت علیهم‌السلام هر دو توصیه نموده است.

دو: حدیث سفینه نیز از جمله احادیثی است که بر ضرورت تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام دلالت دارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این حدیث اهل بیت علیهم‌السلام را همانند سفینه نوح عامل نجات معرفی نموده و فرموده: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» همانا مثل اهل بیتم در میان شما، مانند کشتی نوح است که هر کس سوار آن شود نجات یابد و هر کس از آن تخلف کند غرق می‌گردد. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۷۸۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۳۴۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴؛ متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ص ۱۷۲).

سه: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تمسک به علی علیه‌السلام و امامان دیگر را نشستن بر کشتی نجات و تمسک به جبل الهی معرفی نموده و می‌فرماید: من انَّ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَيَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا وَلْيَأْتِمَّ بِالْهَدَاةِ مِنْ وَلَدِهِ»؛

هر کس دوست دارد که سوار کشتی نجات شود و به ستون قابل اعتماد تکیه کند و به ریسمان محکم الهی چنگ زند، علی را ولی خود انتخاب کند و فرزندان هدایت‌گر علی را امامان خویش قرار دهد. (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۱۶۸)

امت برای مصون ماندن از جهل و اختلاف و درک درست معارف قرآن نیاز پیشوایان معصوم دارد. زیرا اگر افراد امت بخوانند با عقل و فهم ظاهری خود به سراغ فهم و تفسیر قرآن بروند و هر فردی فهم و تفسیر خود را معتبر بشمارد، دچار اختلافات گوناگون خواهند شد و اگر همه این اختلاف فهم و تفسیرها درست شمرده شوند و خدای متعال مرجع مطمئنی برای برون رفت از این اختلاف تفسیرها قرار نداده باشد لازم می‌آید که گفته شود خدای متعال خود این اختلاف فهم‌ها - که بعضاً متناقض و متعارض هستند - را مجاز شمرده است. بی تردید چنین دیدگاهی مخالف آیاتی است که به صورت آشکار و صریح مسلمانان را از اختلاف و تفرقه بر حذر داشته است.

شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه درباره نیاز جامعه اسلامی به امام معصوم علیه‌السلام می‌نویسد: به طور طبیعی...

یک سلسله اختلافات و تفرقه‌ها و تشتت‌ها و مذاهب‌های مختلف و گوناگون در شریعت ختیمه پیدا می‌شود، باید یک شاخص وجود داشته باشد که اگر مردم در این مذاهب گوناگون که این‌ها را اهواء آراء و تعصب‌ها ایجاد کرده است، بخواهند بفهمند که حق چیست، بروند به سراغ او... علمای امت می‌توانند در کار دعوت و تبلیغ و ترویج جانشن پیغمبران باشند، اما نمی‌توانند مرجع حل همه اختلافات باشند. (مطهری، خاتمیت، ص ۵۳)

بنابر این امت اسلامی برای اینکه به وحدت و تفاهم برسد واز اختلاف و تشتت و گمراهی در امان باشد، نیازمند تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. زیرا رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان تمسک به جبل الهی، تمسک به کشتی نجات، یافتن راه حق، ایمن بودن از اختلاف معرفی نموده است. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۷۸۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ص ۳۴۳ و ص ۴۴۸؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۱۴۹؛ ابن حجر عسقلانی، صواعق المحرقة، ص ۱۹۱)

و چون خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عصمت و مبرا بودن اهل بیت علیهم‌السلام از جهل و خطا و انحراف و گناه گواهی داده اند و لذا تبعیت از آنان، عین تبعیت از دستور خدا و رسول و قرار گرفتن در مسیر حق و هدایت است. دلیل این که اهل بیت محور حقیقی اتحاد امت هستند این است که اهل بیت علیهم‌السلام همانند قرآن داعی به حق و راه هدایت و نجات هستند و از هر گونه خطا و انحراف و گناه و رجس مبرا و مطهر هستند. وجه دیگر محور اتحاد بودن اهل بیت این است که طبق دستور قرآن کریم و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همه مسلمانان باید نسبت به آنان مودت و محبت داشته باشند و در فهم معارف و احکام شریعت آنان را مرجع علمی خود قرار دهند و از آنان طلب هدایت و نجات نمایند. زیرا آنان مصداق حقیقی او تو العلم، اهل الذکر، راسخان در علم و صادقین و اولوا الامر معصوم هستند و لذا امت با تمسک به آنان، می‌تواند در مسیر حق و هدایت و وحدت و اخوت قرار بگیرد. و از اختلافاتی که ناشی از اختلاف فهم‌ها و تفسیر هاست، در امان بماند.

#### ۴-۵. مبنا قرار دادن مشترکات

راه اصولی دستیابی مسلمانان به اتحاد این است که بر اصول و عناصر مشترک اعتقادی تکیه کنند و از مطرح کردن اختلافات جزئی پرهیز نمایند. هیچ عنصری مهم تر از عنصر اعتقاد به خدای یگانه و تعالیم الهی و رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست.

امتی که به خدای متعال و یگانه باور دارد و خود را پیرو کتاب خدا و رسول اکرم می‌داند. باید به به دستورهای خدا و رسول ملتزم باشد و از اموری که خدا از آن‌ها نهی کرده نظیر تفرقه و نزاع دوری‌گزیند. علی‌علیه عامل اصلی اتحاد امت اسلام را اعتقاد به خدا و پذیرش رسالت رسول خاتم معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا نَاقِصًا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلِيٌّ إِتْمَامَهُ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَفَصَّرَ الرَّسُولُ ﷺ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَ أَدَائِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ "مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا کردند؟ یا خدای سبحان دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد طلبید؟ یا آنها (برخی دانشمندان) شرکای خدایند که هر چه بخواهند، در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ یا خدای سبحان دین کاملی فرستاد. پس پیامبر ﷺ در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؛ در حالی که خدای سبحان می‌گوید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

متفکر شهید، مطهری رحمه الله در باره امکان اتحاد بین مسلمانان می‌نویسد:

«مسلمین، مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین، همه، خدای یگانه را می‌پرستند و همه، به نبوت رسول اکرم ﷺ، ایمان و اذعان دارند. کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است. با هم و مانند هم، حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها باهم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند ... وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان، ناچار، در برابر آن‌ها خضوع نمایند. خصوصاً اینکه در متن اسلام، بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان، به نص صریح قرآن، برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاص آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌کند...» (مطهری، ۱۳۷۸ش: ج ۲۵، ص ۲۶)

بیش از یک میلیارد مسلمان با این که دارای مذاهب فقهی مختلف هستند لکن در اغلب اصول اعتقادی با هم اشتراک عقیده دارند. همه آنها به خدای واحد و روز قیامت و رسالت حضرت محمد ایمان دارند، همه قرآن کریم را کتاب الله ... و آیات وحی الهی است که از جانب خداوند، به وسیله جبرئیل بر محمد ﷺ نازل شده می‌دانند. ... اما متأسفانه علی رغم همه این مشترکات ... گرفتار اختلاف و تفرقه می‌باشند. (همان)

#### ۶-۴. نفی سلطه حاکمان فاسد ودست نشانده

در قرآن و روایات به صراحت مسلمانان از پذیرش ولایت افراد فاسد و ظالم منع شده اند. قرآن کریم در باره حرمت پذیرش ولایت ظالمان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود: ۱۱۳)

همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَطْعَمَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ (کهف: ۲۸)

﴿... وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ \* الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ (شعراء: ۱۵۱ و ۱۵۲)

رسول خدا ﷺ نیز مکرر در باره خطر پیشوایان فاسد و ستمگر به امت خود هشدار داده است. آن حضرت در روایتی می‌فرماید: «يَأْتِي زَمَانٌ عَلَيَّ أُمَّتِي أُمْرَاؤُهُمْ يَكُونُونَ عَلَيَّ الْجَوْرَ، وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَيَّ الطَّمَعِ، وَعُبَادُهُمْ عَلَيَّ الرِّيَاءِ، وَتُجَارُهُمْ عَلَيَّ أَكْلِ الرِّبَا، ... فَعِنْدَ ذَلِكَ كَسَادُ أُمَّتِي كَكَسَادِ الْأَسْوَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ص ۴۵۴؛ شعیری، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۶)

همچنین می‌فرماید: «يكون بعدى أئمة، لايهتدون بهدای، ولا يستنون بسنتي، وسيقوم فيهم رجال قلوبهم قلوب الشياطين في جثمان إنس...»؛ پس از من حاکمانی بر شما مسلط خواهند شد که از راه هدایت من و سنت من بیرون هستند و در بین آنها افرادی وجود دارد که قلبهایشان همانند قلب شیاطین است ولی ظاهر آنان مثل انسانها هستند. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ص ۲۳۱؛ ترمذی، ۱۹۹۸م: ج ۲، ص ۵۱۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۲۴۸)

جابر بن عبدالله از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل نموده است: بعد از من حاکمانی بر شما مسلط خواهند شد که به سیره من عمل نمی‌کنند، هر کس اعمال آنان را تأیید کند و در ظلم کردن آنان را همراهی کند از من نیست و من از آنان نیستم و بر من در کنار حوض کوثر وارد نخواهند شد، ولی هر کس آنان را تصدیق نکند در ظلمشان همراهی نکند اینها از پیرو راستین من هستند و من از آنان هستم و در روز قیامت در کنار حوض بر من وارد می‌شوند. (ترمذی، ۱۹۹۸م: ج ۲، ص ۵۱۲)



همچنین آن حضرت می‌فرماید: دو صنف از امت من هستند که اگر آنها اصلاح شوند مردمان اصلاح می‌شوند، و اگر آنها فاسد باشند مردمان فاسد می‌شوند: آنها دانشمندان و زمامداران می‌باشند.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ص ۱۵؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۲)

همچنان که اشاره شد خدای متعال و رسول او به صراحت حق حاکمیت افراد ظالم و فاسد بر مؤمنان را ممنوع شمرده اند. (جصاص، احکام القرآن، ج ۱، ص ۷۸؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۳۹؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲، ص ۱۱۰)

ولذا مسلمانان هرگز نباید از حاکمان فاسد اطاعت کنند. (جصاص، ۱۴۰۵ق:، ج ۱، ص ۷۸؛ فخر رازی، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ص ۳۹؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق: ج ۲، ص ۱۱۰) لکن بر خلاف این اصل مسلم قرآنی، برخی از عالمان اهل سنت، حکومت افراد ظالمان و فاسد بر اهل ایمان را جایز شمرده اند.

در ذیل دیدگاه برخی از علمای اهل سنت را در این خصوص مورد اشاره قرار می‌دهیم:

یک: ابوالحسن اشعری می‌نویسد: «... هر کس به مبارزه با حاکم مسلمانان برخیزد گمراه است، هر چند که حاکم اسلامی منحرف شود، نباید با شمشیر به ستیز با او برخاست. (ابوالحسن اشعری، ۱۳۹۷ق: ص ۳۰)

دو: احمد بن حنبل می‌گوید: قیام علیه سلطان جایز نیست، بلکه اطاعت و شنوایی از او لازم است. البته اگر سلطانی دستوری بدهد که در آن معصیت خدا باشد نباید او را اطاعت نمود، اما نباید علیه او قیام کرد. (أحمد بن حنبل، السنة، ص ۵۰)

سه: امام بزدوی می‌نویسد: دیدگاه همه پیروان ابوحنیفه آن است که هرگاه امام مسلمین ظلم کند یا فاسق شود، از حاکمیت عزل نمی‌شود. (بزدوی، ۱۴۲۴ق: ص ۱۹۰)

چهار: طحاوی در عقائد الطحاویه می‌نویسد: ما اهل سنت معتقدیم که به هیچ وجه خروج بر علیه حاکمان و والیان امور مسلمانان جایز نیست هر چند که ظالم و جائر باشند و اطاعت از آنان را واجب می‌دانیم... (البراک، ۱۴۲۹ق: ص ۳۷۹)

پنج: بن حجر عسقلانی می‌گوید: رسول خدا ﷺ مسلمانان را امر کرده که همیشه نسبت به ظلم حاکمان خود صبر کنند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۵۲)

چگونه انسان مسلمان می‌تواند چنین سخن رابه خدا و رسول ﷺ نسبت دهد که رسول خدا اهل ایمان را به صبر در برابر ظلم و استکبار حاکمان فاسد و جائر امر کرده است!؟

شش: نووی نیز می‌گوید: قیام بر علیه حاکمان مسلمان و جنگ با آنان به اجماع مسلمانان حرام است هر چند که فاسق و ظالم باشند... (نووی، ۱۳۹۲ق: ج ۱۳، ص ۴۳۲)

هفت: «تضافرت نصوص أهل السنة والجماعة علي تحريم الخروج علي أئمة الجور قولاً واحداً ولم يفصلوا...» (فالح بن نافع الحربي، فصل الكلام في فريضة نصب الأئمة وتحريم عدم الطاعة والخروج على الإمام، بی تا، ص ۶).

هشت: ابن القیم نیز بدون هیچ قید و شرطی خروج بر علی حاکمان را بدترین شر و فتنه می‌داند و می‌گوید: الإنكار علي الملوك والولاة بالخروج عليهم أساس كل شرّ و فتنه إلی آخر الدهر. (ابن قیم، ۲۰۱۴ق: ج ۳، ص ۱۵)

نه: ابن عبدالبر می‌گوید: اهل سنت بر این باورند که اگر امام و حاکم مسلمانان، فردی عادل و شایسته نبود باز هم باید از وی اطاعت کرد و او را تحمل کرد، زیرا تحمل اطاعت حاکمان جائز و فاسد، بهتر از خروج بر علیه آنهاست. زیرا خروج بر علیه حاکم و حکومت فاسد، موجب از بین رفتن امنیت و ریخته شدن خون بی گناهان و رواج غارت و فساد در بین مردم می‌شود. (ابن عبدالبر، التمهید، بی تا، ج ۲۳، ص ۲۷۸)

ده: ابن تیمیه نیز می‌گوید: اهل سنت قیام بر علیه حاکمان و پیشوایان مسلمین را حرام می‌دانند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۸۷)

وقد أجمع الفقهاء عَلَي وجوب طاعة السلطان المتغلب والجهاد معه، وأن طاعته خير من الخروج عليه لِمَا فِي ذَلِكَ من حقن الدماء وتسكين الدهماء» (ابن حجر، عسقلانی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۳، ص ۷)

با ملاحظه آیات قرآن کریم و روایات و سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌توان گفت که از نظر اسلام امامت و حکومت فاسقین و ظالمین بر مسلمانان ممنوع است و قطعاً دیدگاه آن دسته از عالمان اهل سنت که اطاعت از هر حاکمی - هر چند که ظالم و فاسد باشد، - را واجب می‌دانند، مخالف آموزه‌های قرآن کریم و سنت است. بی شک یکی از مهم‌ترین مشکلات امت از نظر عدم توفیق در دستیابی به اتحاد، وجود حاکمان ظالم و فاسدی است که التزام به اجرای قوانین اسلامی ندارند. بنابر این مسلمانان برای تحقق بسیاری از اهداف مهم و احکام اجتماعی و سیاسی اسلام باید دارای حکومت و قدرت سیاسی مقتدر و مستقل باشند.

دلایل گوناگونی برای ضرورت تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد، که در اینجا به اجمال به برخی از این دلایل اشاره می‌کنیم:

یک؛ اسلام دینی کامل و جامع است و به جهت جامعیتی که دارد، نمی‌تواند در مورد نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پیروان خود بی تفاوت باشد، به همین جهت نوع قوانین و احکام و اهداف دین اسلام اقتضاء می‌کند که دارای نظام و ساختار سیاسی مناسب با آموزه‌ها، اهداف و احکام و قوانین خود باشد. وانکار نظام سیاسی مستقل اسلام، مستلزم تعطیلی احکام اجتماعی اسلام و نفی کمال و جامعیت این دین است.

دو؛ اغلب پیامبران الهی به مبارزه با ظلم و فساد و حکومت‌های طاغوتی در حد قدرت و امکانات خود پرداخته‌اند. حضرت داود، سلیمان، موسی و پیامبر اسلام ﷺ حکومت الهی تشکیل دادند و فقط به تعلیم امور عبادی و معنوی پرداختند.

سه؛ انکار نظام سیاسی اسلام و ضرورت حکومت اسلامی، به منزله انکار بسیاری از آموزه‌های دینی و سیره سیاسی انبیا و اولیا الهی است.

چهار؛ امت اسلام برای تحقق قوانین و ارزش‌های اسلامی، باید حکومتی صالح را به وجود آورد. قرآن کریم مسلمانان را به اتحاد و تشکیل امت واحده، کسب عزت و اقتدار، حفظ دین، مبارزه با کفر و شرک، نفی ظلم و فساد و طاغوت، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با دشمنان دین، اقامه قسط و عدل، تشکیل امت واحده، اجرای حدود و دستورات حقوقی و جزایی اسلام، حفظ حدود و ثغور بلاد اسلام، اجرای نظام تعلیم و تربیت اسلامی دعوت نموده است. بی تردید دستیابی به این اهداف متعالی، تنها از طریق یک نظام سیاسی اسلامی و کارآمد ممکن است. زیرا در زیر سلطه‌ی حکومت‌های فاسد و سکولار، هرگز مسلمانان نمی‌توانند به عزت و اقتدار و اعتلاء و اهداف و آرمان‌های کلان و جهانی اسلام دست یابند.

پنج؛ اهل سنت و شیعه هر دو معتقدند که در جامعه اسلامی جایی برای پیاده کردن قوانین غیر اسلامی وجود ندارد و بر همه مسلمانان واجب است که قوانین اسلامی را در جامعه خود پیاده نمایند. (سید قطب، ۱۹۸۳ق: ص ۸)

قرآن و سنت مؤمنان را از پذیرش سلطه و ولایت ظالمان و حکومت‌های طاغوتی منع نموده

است و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...﴾؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد. (هود، ۱۱۳)

بنابر این مسلمانان هرگز نباید سلطه حکومت‌های فاسد و ظالم را بپذیرند. بدون حکومت صالح و مقتدر اسلامی، شر و سلطه کفار و ظالمین و اولیاء طاغوت از سر مسلمانان دفع نمی‌شود. مسلمانان تنها در پرتو حکومت اسلامی مقتدر می‌توانند آمادگی لازم برای مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام را کسب کنند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...﴾؛ و در برابر آنان آنچه در قدرت و وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد، را به ترس و دارید. (انفال، ۶۰)

ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم... و حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم؛ و حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ش: ص ۳۷).

شش: همه مسلمانان موظف به اقامه عدالت در جامعه خود هستند و به هیچ وجه مجاز نیستند از اجرای عدالت و قسط در جامعه خود شانه خالی کنند، این امر بدون حکومت اسلامی تحقق‌یافتنی نیست. بنابر این می‌توان گفت؛ اگر کسی بدهاقت ضروری بودن حکومت اسلامی را انکار کند، در جهل او نسبت به حقیقت دین اسلام و روح تعالیم اسلامی نباید تردید داشت و به یقین او با منطق اسلام آشنا نیست و یا قصد تحریف حقایق اسلام را دارد.

#### ۴-۷. مسئولیت شناسی عالمان اسلامی نسبت به امت اسلام

از جمله عوامل اساسی نجات امت از مشکلات و چالش‌های فرا رو، تلاش عالمان دلسوز اسلامی برای معرفی درست اسلام و جلوگیری از برو انحرافات فکری و مذهبی در جوامع اسلامی است. پیامبر

اکرم ﷺ اصلاح وضع امت را منوط به اصلاح عالمان و حاکمان دانسته و می‌فرماید: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمُ قَالَ الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ»؛ دو گروه از امت منند که اگر صالح شوند امت من خوب و صالح خواهد شد، و اگر فاسد شوند امت من فاسد می‌شود. گفتند: یا رسول الله! آنان کیانند؟ فرمود: «فقیهانند و حاکمان» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۱؛ دیلمی، ۱۳۷۱ش: ص ۲۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۷)

بی تردید نقش عالمان در اصلاح و تغییر وضع امت از نقش حاکمان و رهبران سیاسی مهم‌تر و تاثیر گذارتر است. زیرا عالمان با آگاهی بخشی خود می‌توانند توده امت را در مسیر حق طلبی و عدالت خواهی، ظلم ستیزی و تحقق ارزش‌های اسلامی سوق دهند و آنان را از اطاعت حاکمان فاسد بر حذر دارند.

مسئولیت عالمان اسلامی را در چند محور می‌توان مورد اشاره قرار داد.

#### یک: معرفی صحیح تعالیم اسلامی

علماء و نخبگان وظیفه دارند، حقیقت اسلام را به مسلمانان بیاموزند و مانع کج اندیشی و تفسیرهای نادرست از اسلام شوند و نگذارند جوانان در دام اسلام اموی و اسلام تحجر گرایان گرفتار شوند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم، تا این ابهام را از اذهان پاک نکرده‌ایم هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۳۰)

عالمان دلسوز جهان اسلام باید تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام غیر اصیل را به مردم جهان بشناسانند. اسلام ناب، اسلام عقلانیت و معنویت، اسلام اتحاد و اخوت و عزت و مقاومت و اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. ولی اسلام آمریکایی، اسلام ذلت و حقارت و نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است.

..... اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردمسالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌های الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد،

با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند. (پیام رهبر انقلاب به حجاج بیت‌الله‌الحرام، تاریخ هشتم مهر ۱۳۹۳ ش)

### مقام معظم رهبری ماهیت اسلام آمریکایی را این گونه معرفی می‌کند:

« اسلام آمریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرت‌های استکباری و توجیه‌کننده اعمال آن‌ها است؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین چنان‌که در صدر اسلام بوده است بلکه به عنوان گوشه‌ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).»

اسلام آمریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند. اسلام آمریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه آلهه آمریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه حکومت و قدرت ننگین خود چشم می‌دوزند. (پیام رهبری به حجاج، تیرماه ۱۳۶۸)

### دو: مقابله با انحرافات فکری و مذهبی

رسول گرامی اسلامی ﷺ، تعلیم معارف دین و مبارزه با انحراف و بدعت را وظیفه عالمان دینی شمرده و فرموده: «اذا ظهرت البدع، فعلي العالم ان يُظهر علمه و الا فعليه لعنة الله»؛ زمانی که بدعت‌ها در بین مردم رواج یابد پدید، انسان عالم باید علم خویش را آشکار کند و هر کس این کار را نکند، پس لعنت خدا بر او باد. (خلال، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۴۹۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۵۴؛ متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ص ۱۷۹)

عالمان اسلامی با آگاهی بخشی و مبارزه با جهل و انحراف و سلطه حکام فاسد و مستبد، دشمن شناسی، مبارزه با مظاهر گوناگون ظلم و فساد، می‌توانند امت را در مسیر اسلام حقیقی هدایت نمایند. نمونه بارز عالمان وظیفه شناس امام خمینی است که با انواع انحرافات فکری و مذهبی و موانعی که بر سر راه بیداری و هویت یابی مسلمانان بود به مقابله برخاست و مسلمانان را به حاکمیت اسلام فرا خواند.

امام خمینی علیه السلام که در باره رسالت عالمان اسلامی می‌فرماید: «اگر سکوت علمای دین و رؤسای مذهب - اعلی الله کلماتهم - موجب جرأت ستمکاران بر ارتکاب محرمات و ایجاد بدعت‌ها شود، سکوت کردن بر آنان حرام است و بر آن‌ها واجب است انکار نمایند...» (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۳۹)

امام خمینی قدس سره می‌گوید: علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی، با وحدت و انسجام و احساس مسؤولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن درآورند و جلوی این همه فساد و استعمار و حقارت مسلمین را بگیرند... و به جای نوشتن و گفتن لاطانات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین، به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بی‌کران ملت‌های اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله را پایدار نمایند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ش، ج ۲۰، ص ۱۲۶)

### سه: مقابله با احکام جور

عالمان دین نباید در برابر رواج فساد و منکر و ظلم و بی‌عدالتی در جامعه اسلامی سکوت کنند و نباید اعمال حاکمان خودکامه و فاسد را توجیه کنند و برای آنها محمل بتراشند بلکه باید با تمام توان خود در برابر فساد و ظلم بایستند و با حکومت‌های فاسد و طاغوتی مبارزه کنند و زمینه‌های شکل‌گیری حکومتی اسلامی را در جوامع خود فراهم نمایند.

امام خمینی علیه السلام در باره ضرورت نجات مسلمانان از زیر یوق حکومت‌های جائز می‌فرماید: آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ‌آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان اسلام اجرا گردد؟

علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر پردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج

خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولت‌ها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرت‌ها را که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند، گوشزد کنند. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۷)

#### چهار: تفرقه ستیزی و دعوت به وحدت و برادری

در حال حاضر که امت اسلام به شدت دچار تفرقه و تشتت و نزاع است، علمای اسلام مسئولیت دارند با این آفت شوم و شیطانی مقابله نمایند و همه مسلمانان را به رعایت دستورات خدای متعال و توصیه‌های رسول خدا فرا بخوانند و داعی به سوی وحدت و ناهی از تفرقه باشند. و از مطرح کردن مطالب و موضوعاتی که به وحدت و یکپارچگی اسلام خدشه وارد می‌کند، خودداری کنند.

آیت الله خامنه ای می‌فرماید: علما به جای برافروختن آتش اختلافات مذهبی، و سیاسیون به جای انفعال در برابر دشمن، و نخبگان فرهنگی به جای سرگرمی به حاشیه‌ها، درد بزرگ دنیای اسلام را بشناسند و رسالت خود را که در پیشگاه عدل الهی، مسئول ادای آنند پذیرا گردند و از عهده‌ی آن برآیند. (پیام رهبر معظم انقلاب به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۹۴/۱۷/۰۱)

#### پنج: نقش عالمان اسلامی در بیداری ملت‌های مسلمان

عالمان و اندیشه‌وران اسلامی، نقش مهمی در بیداری و آگاهی ملت‌های مسلمان و ایجاد تفاهم، همکاری و تقریب مذاهب اسلامی می‌توانند ایفا کنند. علما و متفکران جوامع اسلامی باید ملت‌های مسلمان را با نقشه‌ها و اهداف دشمنان اسلام و جریان‌های تفرقه افکن آگاه سازند و نگذارند جوانان در دام فرقه‌های انحرافی گرفتار شوند.

«... وقتی می‌روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم، بفهمانید به آنها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چند صد میلیونی باشند. تمام گرفتاری‌ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد منحرف کرده‌اند.» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۵۴)

رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، آگاه ساختن مردم از بحران‌های فکری، فلسفی، سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و ارائه راه حلّ برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و احیای ارزش‌های معنوی در عصر جدید است.



بسیاری از نخبگان جهان اسلام اکنون به این نتیجه رسیده اند که فرهنگ غرب بسیاری از مشکلات را برای جوامع اسلامی و ملت‌های مسلمان ایجاد کرده است و مسلمانان با وجود فرهنگ غنی اسلام نباید هویت اصیل و اسلامی خود را از دست بدهند و همین تنبه و آگاهی نسبت به جنبه‌های منفی تمدن غرب موجب شده تا نسبت به هژمونی و رواج فرهنگ غرب در جوامع اسلامی واکنش نشان دهند و آن را نفی نمایند. و نوعی آگاهی و بیداری نسبت به ماهیت ضد اسلامی فرهنگ غرب در جهان اسلام به وجود آمده است. و دوران سیطره فکری و فرهنگی و علمی غرب نسبت به جهان اسلام رو به افول نهاده است.

و بسیاری از نخبگان جهان اسلام به این باور رسیده اند که سلطه دول غرب بر جهان اسلام، مانع اصلی رشد و همبستگی امت اسلامی است.

علما و روحانیون، مؤثرترین افراد در شکل‌گیری جریان بیداری اسلامی و مقابله با استکبار و تهاجم فرهنگی هستند. ولذا باید جوامع اسلامی را در مسیر پیشرفت و تعالی قرار دهند و ملت‌های مسلمان را از زیر سلطه قدرت‌های استبدادی و استکبار جهانی نجات دهند.

علمای دین باید افق‌های روشن پیشرفت و تعالی و شکوه و عظمت جوامع اسلامی را ترسیم نمایند و در پرتو تعالیم حیات بخش اسلام انسان عصر جدید را از اسارت قدرت‌های استکباری و شیطانی رهایی بخشند نمایند. علمای دین باید سیر جوامع اسلامی را در مسیر پیشرفت و تعالی و شکوه و عظمت شتاب بخشند و بندگان خدا را در سایه حاکمیت دین از اسارت قدرت‌های شرق و غرب رها نمایند.

امام می‌گوید: «وظیفه ما همه مسلمین است، وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمین است، وظیفه نویسندگان و گویندگان طبقات مسلمین است... که هشدار بدهند به ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ غنی داریم... مسلمان‌ها باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان دارای یک فرهنگ و کشوری هستند... فرهنگ مسلمین، غنی‌ترین فرهنگ‌ها بوده و هست، مع‌الأسف مسلمین نتوانستند از آن استفاده کنند. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۲۰)

**شش: مقابله با هجمه گسترده رسانه‌ای غرب و پروژه اسلام‌هراسی**

اسلام‌هراسی و متهم کردن اسلام و مسلمانان به خشونت و حمایت از تروریسم از جمله مسائلی است که دولت‌های استکباری در سطح گسترده بر علیه اسلام و امت اسلام تبلیغ می‌کنند تا

چهره‌ای غیر واقعی از اسلام در جهان ارائه کنند و ملت‌های دیگر را نسبت به اسلام و مسلمانان بد بین کنند. پرداختن به این چالش‌ها و تهدیدها و چاره‌جویی برای زدودن آنها، رسالت مهم و بزرگی است که بر دوش عالمان و متفکران و مصلحان دلسوز امت اسلامی است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت از منظر آموزه‌های قرآن و سنت، امت مطلوب و مورد تایید قرآن و سنت امتی است که ایمان کامل به خدا و رسول و تعالیم الهی دارند و اهل اتحاد و برادری و رحمت و مودت هستند و رابطه آنان با یکدیگر بر اساس رهنمودهای الهی یعنی اتحاد، مودت، اخوت، خیر خواهی، اصلاح طلبی، تعاون، امر به معروف و نهی از منکر شکل گرفته باشد. همه عالمان مذاهب اسلامی بر وجوب پیروی امت از قرآن و سنت نبوی اتفاق نظر دارند. و آن را نشانه ایمان به خدا و رسول ﷺ می‌دانند. بنابر این امت حقیقی اسلام کسانی هستند که حقیقتاً پیرو کتاب و سنت باشند و به توصیه‌های خدا و رسول ﷺ عمل نمایند. بی تردید یکی از نشانه‌های عمل به قرآن و تاسی به سیره نبوی ﷺ، تلاش در جهت اتحاد و مودت و اخوت با یکدیگر و اجتناب از تفرقه و عداوت نسبت به یکدیگر است. اگر مسلمانان به توصیه‌های کتاب خدا و رهنمودهای رسول اکرم ﷺ در خصوص اتحاد و مودت و اخوت عمل نکنند و در جهت تشکیل امت واحده اسلامی تلاش ننمایند، امت مورد نظر قرآن و رسول خدا ﷺ و امت برگزیده و برتر و بهترین امت‌ها نخواهند بود. بنابر این، امت زمانی می‌تواند مدعی تمسک به قرآن باشد که طبق رهنمود قرآن کریم در جهت اتحاد و مودت و اخوت با دیگر مسلمانان حرکت کند و از تفرقه و دشمنی با دیگر مسلمانان دوری کند و هنگام بروز اختلاف نظر، حکم خدا و رسول ﷺ را معیار و اصل قرار دهد. بعد از ایمان به خدا و رسول و تعالیم قرآن، ایمان به ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیروی از آنان مهم‌ترین عامل اتحاد و انسجام مسلمین است. امت اسلام بدون تمسک به قرآن و سنت و اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌تواند به وحدت و مودت و اخوت ایمانی دست یابد.

## منابع

قرآن كريم.

نهج البلاغة،

١. ابن أبي عاصم شيباني، أبو بكر، السنة، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، بيروت، المكتب الإسلامي، ط١، ١٤٠٠ ق
١. ابن باز، عبدالعزيز، مجموع فتاوي بن باز، محقق: محمد بن سعد الشويرع، دار القاسم للنشر، ١٤٢٠ ق.
٢. ابن بشران، عبد الملك بن محمد، أمالي ابن بشران، الرياض، دار الوطن، ١٤١٨ ق.
٣. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق: محمد رشاد سالم، الرياض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ١٤٠٦ ق.
٤. ابن حبان، محمد بن حبان، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، المحقق: شعيب الأرنؤوط، ج٢، مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤١٤ ق.
٥. ابن حجر عسقلاني، أحمد بن علي، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، قاهره: المكتبة السلفية ومطبعتها، ١٤٠٩ ق.
٦. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق.
٧. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، اعلام الموقعين عن رب العالمين، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠١٤ م.
٨. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، تحقيق، شمس الدين، محمد حسين، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ ق.
٩. ابن ماجة، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجة، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء الكتب العربية، .....

١٠. اشعري، أبو الحسن علي بن إسماعيل، رسالة إلي أهل الثغر بباب الأبواب، المحقق: عبد الله شاكر محمد الجندي، المدينة المنورة، عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ١٤١٣ق.
١١. جزيري، ابوبكر جابر، ايسر التفاسير لكلام العلي الكبير، مدينه منوره، مكتبة العلوم و الحكم، ١٤١٦ق.
١٢. أبو نعيم، أحمد بن عبد الله، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، مصر، السعادة، ١٣٩٤ق.
١٣. اشعري ابوالحسن على بن إسماعيل، الإبانة عن أصول الديانة، المحقق: د. فوية حسين محمود دار الأنصار، القاهرة، ١٣٩٧ق
١٤. أبو داود سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن أبي داود، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - محمّد كامل قره بللي، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
١٥. ابن حنبل، أحمد بن حنبل، أصول السنة، دار المنار، السعودية، ١٤١١ق.
١٦. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، بيروت، دارالعلم، ١٤١٢ق.
١٧. آلباني، محمد ناصر الدين، الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام، مكتبة المعارف، ١٤٢٥ق.
١٨. آلباني، محمد ناصر الدين، صحيح موارد الظمان إلي زوائد ابن حبان، رياض، دار الصميعي للنشر والتوزيع، ١٤٢٢ق
١٩. بخاري، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ١٤٢٢ق.
٢٠. البراك، عبد الرحمن بن ناصر، شرح العقيدة الطحاوية، إعداد: عبد الرحمن بن صالح السديس، دار التدمرية، الطبعة الثانية، ١٤٢٩ق.
٢١. بربهاري، الحسن بن علي، كتاب شرح السنة، تحقيق: د. محمد سعيد سالم القحطاني، الدمام، دار ابن القيم، ١٤٠٨ق.
٢٢. بزار، احمد بن عمرو، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، وعادل بن سعد، وصبري عبد الخالق الشافعي، كتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، (١٩٨٨م)

٢٣. بزدوی، محمد بن محمد، اصول الدین، مصحح: سقا، احمد حجازی، قاهر، مکتبه الازهریه، ١٤٢٤ق.
٢٤. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، المحقق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ١٩٩٨ م.
٢٥. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، المحقق: محمد صادق القمحاوی، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
٢٦. جمال البناء، السنة ودورها في الفقه الجديد، دار الفكر، مصر، ١٩٩٧ م.
٢٧. حافظ ابن رجب، عبد الرحمن بن أحمد، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً...، تحقيق: الدكتور محمد الأحمدی أبو النور، دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع، ط ٢، ١٤٢٤ق.
٢٨. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١١ق.
٢٩. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ١٤١١ق.
٣٠. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، قم، الشریف الرضی، ١٣٧١ق.
٣١. سبحانی تبریزی، جعفر، محاضرات فی الإلهیات، تلخیص: علی ربانی گلپایگانی، قم: مؤسسه امام صادق ٧، ١٤٢٨ق.
٣٢. السحیمی صالح سعد، البدع وأثرها في انحراف التصور الإسلامی، مجلة الجامعة الإسلامیة بالمدينة المنورة، بی تا.
٣٣. دارمی، محمد عبد الله بن عبد الرحمن، سنن الدارمی، أبو تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، دار المغنی للنشر والتوزیع، المملكة العربیة السعودیة، ١٤١٢ق.
٣٤. أبویعلی، أحمد بن علی، مسند أبی یعلی، المحقق: حسین سلیم أسد، دمشق، دار المأمون للتراث، ١٤٠٤ق.
٣٥. قطب، سید، معالم فی الطریق، قاهره: دارالشروق، ١٩٨٣م.

٣٦. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جامع الأحاديث، ضبط نصوصه وخرج أحاديثه: فريق من الباحثين بإشراف د. علي جمعة (مفتي الديار المصرية).
٣٧. سيوطي، عبدالرحمان بن ابي بكر، الدر المنثور، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق.
٣٨. شهرستاني، عبدالكريم، مفاتيح الاسرار،
٣٩. شيخ صدوق، محمد بن علي، الخصال، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١٤ق.
٤٠. صافى گلپايگانی، لطف الله، مع الخطيب فى خطوطه العريضه، منشورات مكتبة الصدر، بى تا.
٤١. طيالسي، سليمان بن داود، مسند أبي داود، المحقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي، مصر دار هجر،
٤٢. صنعاني، عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ٢، بيروت، المكتب الإسلامي، ١٤٠٣ق
٤٣. آلباني، محمد ناصر الدين، مُختَصَرُ صَحِيحِ الإِمَامِ البُخَارِيِّ، رياض، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ١٤٢٢ق.
٤٤. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
٤٥. طبراني، المعجم الصغير، محمد شكور محمود الحاج أمير، بيروت - عمان، المكتب الإسلامي، دار عمار ١٤٠٥ق.
٤٦. طبراني، المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، القاهرة - الرياض، مكتبة ابن تيمية، ١٤١٥ق.
٤٧. طوسي، محمد بن الحسن، التبيان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١٣ق.
٤٨. عبد الجبار، صهيب، جامع الصحيح للسنن والمسانيد، غير مطبوع، ٢٠١٤ق.
٤٩. عبد الرؤوف محمد عثمان، محبة الرسول بين الاتباع والابتداع، رياض، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد إدارة الطبع والترجمة، ١٤١٤ق.
٥٠. عواجي، غالب بن علي، فرق معاصرة تنتسب إلي الإسلام موقف الإسلام منها، ج ٤، جدة، المكتبة العصرية الذهبية للطباعة والنشر و...، ١٤٢٢ق.

۵۱. فالح بن نافع الحریبی، فصل الکلام فی فریضة نصب الأئمة وتحريم عدم الطاعة والخروج علی الإمام، ص ۶.
۵۲. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۵۳. فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ش.
۵۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجة البيضاء، قم، انتشارات حسنین، سال ۱۳۸۴ش.
۵۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، تصحیح کمال فقیهه ایمانی، اصفهان، مکتبه امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق
۵۶. القحطانی، د. سعید بن علی بن وهف، الاعتصام بالکتاب والسنة أصل السعادة فی الدنيا والآخرة ونجاة من مضلات الفتن، ریاض، مطبعة سفیر، بی تا.
۵۷. قرطبی، محمد بن أحمد، تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، تحقیق: أحمد البردونی وإبراهیم أطفیش، القاهرة، دار الکتب المصریة - الطبعة الثانية، ۱۳۸۴ق.
۵۸. قرعاری، سلیمان، محمد بن عبد العزیز، الجدید فی شرح کتاب التوحید، تحقیق: محمد بن أحمد سید أحمد، مکتبه السوادی، جدة، المملكة العربیة السعودیة، ط ۵، ۱۴۲۴ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۶۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
۶۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۲. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۶۳. حاتمی محمد رضا و بحرانی مرتضی، دایره المعارف جنبش‌های اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲ش.
۶۴. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح المسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.

٦٥. محمد عویضة محمد نصر الدين، فصل الخطاب فی الزهد والرفائق والآداب، قابل دسترسی در نرم افزار ( الشامله)
٦٦. مراغي، أحمد مصطفي، تفسير مراغي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا
٦٧. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ١٣٧٨ ش.
٦٨. بیهقي، أحمد بن الحسين، شعب الإيمان، حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد، أشرف على تحقيقه وتخريج أحاديثه: مختار أحمد الندوي، رياض، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع و...، ١٤٢٣ ق.
٦٩. موسوی خميني، سيد روح الله، ولايت فقيه، چاپ بیستم، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام، ١٣٨٨ ش.
٧٠. موسوی همداني، سيد محمد باقر، ترجمه تفسير الميزان، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٧٤ ش.
٧١. موسوی خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني
٧٢. موسوی خميني، سيد روح الله، صحيفه امام، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام،
٧٣. نسائي، أحمد بن شعيب بن علي، السنن الكبرى، محقق: حسن عبد المنعم شلبي، أشرف عليه: شعيب الأرنؤوط، قدم له: عبد الله بن عبد المحسن التركي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق.
٧٤. نوري، حسين بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام)، ١٤٠٨ ق.
٧٥. نوي، يحيى بن شرف، المنهاج شرح صحيح مسلم، ط٢، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٢ ق.
٧٦. هيثمي، علي بن أبي بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ ق.
٧٧. زحيلي، د. وهبة، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج، بيروت - دمشق، دار الفكر المعاصر، ١٤١٨ ق.
٧٨. حكيم، محمد باقر، وحدت اسلامي از دیدگاه كتاب و سنت، ترجمه عبد الهادي فقهی زاده، تهران، مؤسسه فرهنگي انتشاراتي تبيان، ١٣٧٧ ش.